

امریکا واقعا از ایران چه می‌خواهد؟

علی معنوی

۱

نوآم چامسکی، در گفت‌وگو با پایگاه خبری «اکنون دموکراسی» در پاسخ به این که «درگیری‌ها در سوریه چه مفهومی برای ایران دارد و آمریکا به‌طور کلی چگونه می‌تواند وضعیت خاورمیانه را تغییر دهد؟» گفت: نکته مهم درباره‌ی ایران که باید بحث را با آن آغاز کرد این است که در ۶۰ سال اخیر یک روز نبوده است که آمریکا ایرانیان را شکنجه نکرده باشد. این از کودتای نظامی آغاز شد که دولت پارلمانی ایران را در سال ۱۹۵۳ سرنگون کرد و باعث روی کار آمدن شاه شد. سازمان عفو بین‌الملل او را یکی از بدترین و تندروترین شکنجه‌گران جهان نامیده است. وقتی شاه در سال ۱۹۷۹ سقوط کرد آمریکا تقریبا بلافاصله به حمایت از صدام در حمله به ایران پرداخت. صدام صدها هزار نفر را در ایران کشت و از تسلیحات شیمیایی استفاده کرد. صدام در آن‌زمان حتی جمعیت کردنشینان را نیز با تسلیحات شیمیایی وحشتناک هدف حمله قرار داد و آمریکا از این اقدام حمایت کرد. صدام محبوب دولت ریگان و بوش بود، تا جایی که جورج بوش پدر پس از پایان جنگ در سال ۱۹۸۹ مهندسین هسته‌ای عراقی را برای آموزش‌های پیشرفته در زمینه‌ی تولید سلاح هسته‌ای به آمریکا دعوت کرد. وی افزود: این‌کشوری بود که ایران را مورد حمله قرار داد. پس از آن ایران در معرض تحریم‌های شدید قرار گرفت و این تحریم‌ها تا به امروز ادامه دارد. بنابراین، ما اکنون یک سابقه‌ی ۶۰ ساله در زمینه‌ی شکنجه ایران داریم. ما به آن توجهی نمی‌کنیم، ولی مطمئن باشید که آن‌ها می‌کنند و حق هم دارند. چامسکی در ادامه با اشاره به دلایل اتخاذ اقدامی نظامی احتمالی علیه ایران گفت: ما به اصل حملات مافیایی بازگشته‌ایم. ایران در سال ۱۹۷۹ حکمرانی را که تحت حمایت آمریکا بود سرنگون کرد و مسیری مستقل را در پیش گرفت و از دستورات آمریکا پیروی نکرد. طبق اصول مافیایی، پدرخوانده نمی‌تواند اجازه استقلال و مقاومت موفقیت‌آمیز را بدهد، بنابراین، ایران باید برای این کارش تنبیه می‌شد. بهانه‌ی فعلی این است که ایران یک برنامه‌ی هسته‌ای تسلیحاتی دارد. در حالی‌که روزنامه‌ی نیویورک تایمز گزارش می‌دهد که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است، مراکز اطلاعاتی آمریکا از طرف دیگر می‌گویند نمی‌دانند و شاید این‌طور باشد. اگر ایران به دنبال چنین چیزی باشد این کار بخشی از استراتژی بازدارنده‌اش خواهد بود. ایران با قدرتهای هسته‌ای که تحت حمایت آمریکا قرار

دارند و حاضر به امضای معاهده‌ی منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (ان.پی.تی.) نیستند، احاطه شده است. اسرائیل، هند و پاکستان به کمک آمریکا به سلاح هسته‌ای دست یافته‌اند و ایران مرتباً احساس خطر می‌کند. آمریکا و اسرائیل هر روز ایران را تهدید به حمله می‌کنند، چیزی که ناقض منشور سازمان ملل که تهدید به استفاده از زور را ممنوع می‌کند است. آمریکا خود را مصون از قوانین بین‌المللی می‌داند و مشتریانش نیز این حق را به ارث می‌برند. بنابراین، ایران تحت تهدید دائمی قرار دارد. نیویورک تایمز می‌گوید ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است، ولی مراکز اطلاعاتی چنین چیزی را نمی‌گویند. این یک بهانه است... آمریکا می‌گوید ایران تهدیدی برای جهان است. این موضع آمریکا است. ولی موضع سایر کشورهای جهان چیست؟ فهمیدنش آسان است. اکثر کشورهای جهان عضو جنبش غیرمتعهدا (نم) هستند که همیشه از حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم به‌عنوان یکی از امضاکنندگان معاهده ان.پی.تی. حمایت کرده است. دنیای عرب چطور؟ کشورهای عربی از ایران خوششان نمی‌آید و تنش‌ها به قرن‌ها پیش برمی‌گردد. ولی آن‌ها ایران را یک تهدید نمی‌دانند. درصد بسیار کوچکی از آن‌ها ایران را یک تهدید می‌بینند، ولی نظرسنجی‌های آژانس‌های غربی نشان می‌دهد که برای آن‌ها تهدید اصلی آمریکا و اسرائیل است... از سال ۱۹۷۴ پیشنهادی برای عاری‌سازی منطقه (خاورمیانه) از تسلیحات هسته‌ای مطرح شده است. شاید این بهترین راه برای کاهش و حتی پایان تهدیدی است که به ایران نسبت می‌دهند. این پیشنهاد با حمایت‌های بین‌المللی روبه‌رو شده است، تا حدی که آمریکا مجبور شد به طور رسمی با آن موافقت کند، ولی این را هم بگویم که تحقق آن غیرممکن است. سال گذشته قرار بود کنفرانسی در این زمینه در فنلاند برگزار شود، ولی اسرائیل اعلام کرد که در آن شرکت نخواهد کرد. ایران اعلام کرد بدون پیش‌شرط در آن شرکت خواهد کرد. در آن زمان اوباما کنفرانس را لغو کرد و همان دلیلی را ارائه کرد که اسرائیل گفته بود: بدون برقراری صلح نمی‌توان توافقی در زمینه تسلیحات هسته‌ای داشت. ولی تا زمانی که آمریکا به جلوگیری از حل دیپلماتیک درگیری‌های اسرائیل با فلسطین ادامه دهد، این اتفاق نخواهد افتاد.

۲

اکنون با این پرسش مواجه ایم که آمریکا واقعاً از ایران چه می‌خواهد؟ در تاملی تاریخی، به پاسخ می‌رسیم که آمریکا برای نمایش و بازتولید مستمر هژمونی جهانی خود نیازمند دگرهای رادیکال خودساخته است. این «دگر»ها صرفاً برساخته‌ی فراگفتمان مسلط آمریکا هستند و لاغیر. به بیان دیگر، خوشه‌ی توصیفاتی که برای نامیدن و تعریف و تصویر آنان ارائه می‌شود، تماماً

محصول کارخانه‌ی گفتمانی قدرت مسلط است و بیرون از این گفتمان مابه‌ازایی ندارد. ایران، در شصت سال گذشته‌ای که چامسکی از آن یاد می‌کند، هیچ‌گاه تهدیدی برای آمریکا نبوده، هیچ‌گاه این کشور را استعمار و استثمار نکرده، هیچ‌گاه در این کشور حضور نظامی نداشته، هیچ‌گاه در این کشور کودتایی را طراحی و هدایت نکرده، و... ایران همچنین هیچ‌گاه دارای سلاح هسته‌ای نبوده، هیچ‌گاه به کشوری تعرض نظامی نداشته، هیچ‌گاه معاهدات بین‌المللی را نقض نکرده، هیچ‌گاه از چارچوب معاهده ان.پی.تی. خارج نشده، و... اما طنز روزگار ما این است که آمریکایی که همه‌ی این اقدامات را انجام داده و می‌دهد، ایران را شرور و تهدیدی برای نظام بین‌المللی تصویر و تبلیغ می‌کند. همین‌جا باید بگوییم که ایران هم دقیقاً مشخص نیست که از آمریکا چه می‌خواهد. در ایران امروز (در میان اصحاب تصمیم و تدبیر) هم، تصویر واضح و یگانه‌ای از آمریکا، و به‌تبع، مواضع مشخص و واحدی در برابر آن وجود ندارد. با این بیان می‌خواهیم بگوییم که در شرایط کنونی هیچ‌گونه رابطه‌ی تفهیم و تفاهمی (دیالوگی) میان این دو کشور وجود ندارد و استمرار و تعمیق این وضعیت گریزی از تسلط زبانی دیگر باقی نمی‌گذارد.